

## خبر

**اعتراف به ۵۰ فقره کیف‌قاپی**

**گروه حوادث:** دو سارق حرفه‌ای پس از دستگیری به انجام بیش از ۵۰ فقره کیف‌قاپی طی چند روز گذشته اعتراف کردند. سرهنگ «محمد کمانکش» رئیس کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس در این باره گفت: طی چند روز گذشته ماموران کلانتری حین گشت‌زنی در خیابان استخر فردی را به اتهام سرقت دستگیر کردند. این مقام مسئول ادامه داد: متهم در بازجویی‌های به عمل آمده به بیش از ۱۰ فقره کیف‌قاپی به‌ روش قاپیدن کیف دستی از روی صندلی خودروها اعتراف کرد، سپس متهم دوم نیز دستگیر شد و او هم در بازجویی‌های به عمل آمده به ۴۰ فقره کیف‌قاپی با همدستی شخص دیگری اعتراف کرد. سرهنگ کمانکش از تحویل متهمان به مراجع قضایی خبر داد و گفت: تحقیقات تکمیلی در این رابطه ادامه دارد.

**بازداشت دو دزد دریایی در اروند**

**گروه حوادث:** فرمانده پایگاه دریایی آبادان خبر داد دو دزد دریایی در دهانه آبراه اروند بازداشت شدند. یدالله شرفی گفت: این دو دزد دریایی در آبراه اروند با کمین روی شناورها اقدام به سرقت از آنها می کردند. فرمانده پایگاه دریایی آبادان ادامه داد: با استفاده از منابع و اخباری که از شهرهای همجوار در خصوص این دو دزد حرفه‌ای دریافت شد عملیات شناسایی آنها آغاز شد. شرفی تصریح کرد: در این عملیات که در روزهای گذشته انجام شد ماموران پایگاه دریایی با اجرای کمین موفق به دستگیری این دو دزد دریایی شدند. شرفی خاطرنشان کرد: این دو دزد دریایی آخرین سرقت خود را در روز چهارم آذر ماه انجام داده بودند که بلافاصله پس از اطلاع از این مساله عملیات شناسایی آنها آغاز شد و در مدت کوتاهی نیز دستگیر شدند. فرمانده پایگاه دریایی آبادان افزود: با دستگیری این دو سارق دریایی هم‌اکنون تحقیقات در خصوص آنها توسط مراجع قضایی در حال انجام است. شرفی در پایان گفت: با تلاش شبانه‌روزی ماموران پایگاه دریایی آبراه اروند از امنیت بسیار مناسبی برخوردار است.

**اسرار مرگ راهنمای آب‌های خروشان**

**گروه حوادث:** مرگ مشکوک یک راهنمای مشهور آب‌های خروشان در کنگو جنجال‌هایی را به راه انداخت. این راهنمای سرشناس به نام هندریک کونزی در کنگو طعمه یک کروکودیل شد. به گزارش سس‌ان‌ان، ادی بائر مسوول توری که هندریک راهنمای آن بود در این باره گفت: یک کروکودیل او را از قایق پارویی به بیرون کشید و احتمالاً باعث مرگ او شد. هندریک کونزی روز سه‌شنبه هفته گذشته با دو امریکایی به نام‌های بن استوکسبری و کریس کوربولیک سوار بر یک قایق در رودخانه لوگوگا در حرکت بودند که این حادثه رخ داد. این دو امریکایی در زمان وقوع حادثه توانستند با پارو زدن خود را نجات دهند و در نهایت توسط صلیب سرخ بین‌الملل نجات داده شدند. به گفته ادی بائر این افراد می‌خواستند ناشناخته‌های آفریقا را با سفر رودخانه‌ای خود کشف کنند. آنها می‌خواستند نشان دهند در اوج بحران آب شیرین در آفریقا، هنوز مکان‌هایی وجود دارد که چنین منابع فراوانی را در اختیار دارد. ادی بائر در ادامه افزود: ما از این حادثه فبیع متاثرشدیم و با خانواده هندریک و دوستانش مهدردی می‌کنیم. ما می‌خواهیم از صلیب سرخ بین‌الملل و سربازان سازمان ملل مستقر در منطقه تشکر کنیم که کمک‌های لازم را ارائه کردند. آخرین نوشته‌ای که از هندریک کونزی به جامانده، ۲۶ نوامبر منتشر شده است. او نوشته بود: ما می‌خواهیم یک کشف بزرگ در این منطقه کنیم. ما در قلب آفریقا به سر می‌بریم و من هیچ گاه به این اندازه خوشحال نبودم و بهترین روزهای عمر خود را سپری می‌کنم. اکنون ماجرای مرگ این راهنمای سرشناس مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است و همه در انتظار هستند جزئیات بیشتری از این ماجرای اسرارآمیز منتشر شود.

**نایدید شدن سه کودک**

**بعد از اقدام به خودکشی پدر**

**گروه حوادث:** پلیس و شهروندان ایالت میشیگان امریکا تلاش گسترده‌ای را برای یافتن سه پسرپچه ناپدید شده آغاز کرده‌اند. به گزارش سسی‌ان، پدر این سه پسرپچه میشیگانی قبل از اقدام به خودکشی سه فرزندش را به یک زن سپرد کرده بود. بر اساس ادعای این مرد که هنوز زنده است بچه‌ها همان زمان ناپدید شده‌اند. لری وبکس رئیس پلیس شهر مورسنی ایالت میشیگان در این‌باره گفت: پدر این سه کودک بعد از اقدام به خودکشی زنده ماند و در یک مرکز درمانی روحی روانی بستری شد اما مقامات میشیگان نمی‌دانند چه اتفاقی برای این سه پسر به نام‌های تاتر پنج‌ساله، الکساندر ویلیام هفت‌ساله و اندرو ۹ساله افتاده است. جان اسکلتون، پدر این سه کودک به پلیس گفته او صبح جمعه دو هفته قبل سه فرزندش را به یک زن سپرد که در نام جون تاپلور می‌شناخت. گفته می‌شود جان اسکلتون با این زن از طریق اینترنت آشنا شده است. این زن قرار بود بچه‌ها را ساعت سه بعازظهر روز جمعه به خانه‌شان در شهر مورسنی ببرد اما از این کار خودداری کرد و پسرها هرگز به خانه نرفتند و مقامات نمی‌دانند داستان پدرشان واقعی یا ساختگی است. وبکس در این باره توضیح داد: «ها نتوانستیم محل سکونت جون تاپلور را شناسایی کنیم یا حتی مطمئن شویم او وجود خارجی دارد. به گفته او، آخرین بار یک نفر این سه کودک را در ساعت پنج بعازظهر روز پنجشنبه دیده است. وبکس توضیح داد: فردی به نام جون با تانیا اسکلتون تماس گرفته، اما معلوم نیست این تماس تلفنی یا حضوری بوده است. اکنون معمای مفقود شدن سه پسرپچه به سوز داغ رسانه‌ها تبدیل شده است و ده‌ها نفر در مناطق مختلف به جست‌وجوی این سه کودک پرداخته‌اند. «کارول گارسیا» یکی از داوطلبانی که به جست‌وجوی این کودکان می‌پردازد، در این باره گفت: ما امیدواریم آنها در جایی امن و گرم، بازی‌های ویدئویی انجام دهند. مقامات کوچک‌ترین سرخنی از این بچه‌ها ندارند اما ما تلاش می‌کنیم آنها را بیابیم.

## نجات پسر ۱۲ساله از چنگ گروگانگیر ۲۰۰ میلیونی

پدر پارسا یک بار دیگر نزد ماموران رفت و این بار گفت فرزندش در چنگ آدم‌ربایی ناشناس اسیر است. این مرد پیامکی از یک شماره ناشناس دریافت کرده بود که در آن نوشته شده بود پارسا را روده است و بابت آزادی او ۲۰۰ میلیون تومان پول نقد می‌خواهد. کارآگاهان بعد از اینکه با اطلاعات تازه مواجه شدند پیدا کردن آدم‌ربا را کار دشواری ندیدند چرا که به راحتی می‌شد صاحب خط اعتباری را شناسایی کرد. این کار در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شد اما صاحب خط به ماموران گفت خط اعتباری‌اش را چند روز قبل به مرد دیگری واگذار کرده و اکنون هم هیچ مشخصات و اطلاعاتی از او ندارد. در حالی که نخستین سرخ پلیس راهگشا نشده بود، فرد گروگانگیر دومین پیامک را فرستاد و ضمن تاکید بر مبلغ اعلام‌شده با پدر پارسا قرار گذاشت ولی در محل

ملاقات حاضر نشد و ماموران پلیس که از قبل آنجا را زیرنظر گرفته بودند باز هم نتوانستند توفیقی به دست بیاورند. این اتفاق چند بار دیگر نیز تکرار شد و متهم هر بار از یک شماره پیامک ارسال می‌کرد تا اینکه ماموران مالک یکی دیگر از خط‌ها را شناسایی کردند. این مرد هم همان حرف‌های مظنون قبلی را تکرار کرد و گفت سیم‌کارتش را به شخص دیگری داده است. اگرچه این مرد نشانی از خریدار خط اعتباری نداشت ولی چهره او را به خاطر سپرده بود، به همین دلیل او به پلیس آگاهی منتقل شد و از متهم چهره‌نگاری کرد. در گام بعدی تصویر به‌دست‌آمده به پدر پارسا نشان داده شد و او راپاینده پسرش را شناخت و به ماموران گفت: «این مرد قبلاً در شرکت من کار می‌کرد و چندی قبل او را اخراج کردم». مردی که پدر پارسا از او یاد می‌کرد جوانی

متمم اصلی و دو همدستش دیروز محاکمه شدند

## قصاص برای پسر نوجوان به اتهام قتل حین کیف‌قاپی



نماینده دادستان تهران تقاضای صدور حکم قانونی را در این خصوص دارم. در ادامه اولیای دم مقتول برای میلاد تقاضای صدور حکم قصاص کردند. سپس یکی از مالباختگان در جایگاه حاضر شد و گفت: تازه قدم به دومین پله پل عابر گذاشته بودم که دو پسر ناشناس به من حمله کردند. یکی از آنان از پشت سر، یقه کاشتم را گرفت و ناگهان مشت محکمی به صورت زد. نفر دوم هم کیف همراهم را قاپید و ۵۰ هزار تومان پول نقد و اسناد و مدارک را بردند. مالباخته ادامه داد: دزدان خشن همدستی دوستانش اقدام به کیف‌قاپی می‌کردند و آن جاقو را در روز حادثه از محمدرضا گرفته بود. نماینده دادستان در پایان گفت: با توجه به تحقیقاتی که در این خصوص انجام شده است من به عنوان

۲۸ساله به نام میثم بود. کارآگاهان وقتی مشخصات متهم را به دست آوردند مخفیگاه او را پیدا و وی را دستگیر کردند. میثم در همان بدو دستگیری اعتراف کرد پارسا را در صندوق عقب پژویی که در پارکینگ خانه‌اش قرار دارد، محبوس کرده است. به این ترتیب پسر ۱۲ساله آزاد و میثم برای انجام بازجویی‌های دقیق به پلیس آگاهی منتقل شد. این مرد در اعتراف‌اش گفت: «وقتی در شرکت پدر پارسا کار می‌کردم، فهمیدم او وضع مالی خوبی دارد برای همین بعد از اخراج شدن نقشه گروگان گرفتن او را طراحی کردم و وی را در مسیر مدرسه بردم. بعد از آن هر بار با یک خط اعتباری یا پدر پارسا تماس می‌گرفتم تا شناسایی نشوم.» بنا بر این گزارش متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

## متهم اصلی و دو همدستش دیروز محاکمه شدند

## قصاص برای پسر نوجوان به اتهام قتل حین کیف‌قاپی

من در حالت عادی نبودم و برای اینکه بتوانم کیفش را سرقت کنم با چاقو ضربه‌ای به او زدم اما ضربه به جای حساس او خورد.

وی در توضیح اینکه چطور با همدستی دوستانش کیف‌قاپی می‌کرد، گفت: ما دوستان قدیمی بودیم. مادرم دوست نداشت من با فرید و محمدرضا ارتباطی داشته باشم، به همین خاطر هم پدرم خانه ما را در تهرانپارس فروخت و به غرب تهران نقل‌مکان کردیم اما ما همچنان با هم ارتباط داشتیم. به پیشنهاد فرید و محمدرضا تصمیم گرفتیم دزدی کنیم. من به پول احتیاج نداشتم و فقط برای اینکه پیش دوستانم کم نیاورم قبول کردم با آنها همراه شوم. ما در این مدت سه سرقت انجام دادیم و هر سه آنها را قبول دارم. باید بگویم هر سه دزدی پیشنهاد محمدرضا بود و فرید هم تحت تاثیر او قرار می‌گرفت. در آخرین سرقت که منجر به قتل هم شد قبل از دزدی ما مقداری مشروب خورده بودیم. من حالت عادی نداشتم. سوار موتور شدیم و به سمت کسی که شناسایی‌اش کرده بودیم رفتیم. خواستیم کیف را از دستش بگیریم و او مقاومت کرد و من هم با چاقویی که محمدرضا به من داده بود او را زدم. قصدم این نبود که وی را بکشم. فقط می‌خواستم کیف را از دست او بگیرم. در ادامه نوبد و محمدرضا دو متهم دیگر پرونده در جایگاه حاضر شدند. آنها نیز اتهامات خود را پذیرفتند و میلاد را عامل قتل معرفی کردند. بعد از پایان دفاعیات متهمان و وکلای مدافع آنها، میلاد برای آخرین دفاع در جایگاه حاضر شد. این نوجوان گفت: از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم و از اولیای دم تقاضای بخشش دارم. من اشتباه کردم و هنگام قتل در حالت عادی نبودم. بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه ۷۱ این صدور رای دادگاه وارد شور شدند و میلاد را به قصاص، شلاق و حبس محکوم کردند. دو متهم دیگر پرونده نیز هر کدام به حبس و شلاق محکوم شدند.

است. به همین دلیل تحقیقات فنی از وی ادامه یافت تا اینکه او کلاهبرداری‌های بیشتری را بر عهده گرفت. او به کارآگاهان گفت: من در یک سوپرمارکت کار می‌کنم، طعمه‌هایم را که بیشتر زن‌ها بودند در محل کارم انتخاب می‌کردم و بعد از به دست آوردن شماره تلفن‌شان با آنها تماس می‌گرفتم و با تقلید صدا وانمود می‌کردم دخترشان هستم. سپس ادعا می‌کردم به پول نیاز دارم. در ادامه شماره حساب برادرم را به آنها می‌دادم و آنها نیز که اغلب افراد زودبایری بودند به راحتی حرف‌هایم را باور می‌کردند و به حساب برادرم پول واریز می‌کردند. سرهنگ «عبدالله قاسمی» معاون اجتماعی پلیس آگاهی ناجا با اعلام جزئیات این پرونده گفت: تاکنون متهم را از کتاب هشت فقره کلاهبرداری با این شیوه اعتراف کرده و ارزش این کلاهبرداری‌ها دو میلیون تومان برآورد می‌شود. معاون اجتماعی پلیس آگاهی ناجا، با اشاره به اینکه کلاهبرداری با شیوه تقلید صدا اخیراً در چند نقطه دیگر کشور نیز رخ داده است، از مردم خواست در برابر تماس‌های مشکوک هوشیار باشند.

با گذشت چند ساعت از شروع عملیات ماموران پی بردند متهم در یکی از واحدها پنهان شده است. به

این ترتیب متهم دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد. سرهنگ عباسعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر گفت: از آنجا که متهم با تهیه و خرید چک‌های سرقتی اقدام به خرید عمده مواد غذایی از شاکای کرده است، ممکن است او با این ترند از شهروندان دیگر نیز کلاهبرداری کرده باشد. به همین دلیل بازپرس پرونده مجوز انتشار تصویر بدون پوشش متهم را صادر کرد. از این رو از اطمینان ندارم. همسرم حتی فرد شکایتی دارند دعوت می‌شود برای شنود برای شناسایی او به اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ یا شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۱۶ تهران مراجعه کنند. سرسنگ محمدیان همچنین با هشدار به شهروندان گفت: در بسیاری از پرونده‌ها مالباختگان اوراق بهادار مثل چک را در مکان‌هایی مانند خودرو پارک شده در کنار خیابان می‌گذارند و زمینه را برای سرقت آن فراهم می‌کنند. سارقان با سرقت این‌گونه اوراق و سپردن به کلاهبرداران برای مالباخته و دیگر شهروندان مشکلاتی ایجاد می‌کنند. این مقام پلیس همچنین به کسبه و بازاریاران نیز توصیه کرد هنگام قبول چک در مقابل کال، در خصوص اصالت چک و هویت صاحب آن تحقیق کنند.

### حوادث

## نجات پسر ۱۲ساله از چنگ گروگانگیر ۲۰۰ میلیونی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۳۴ *شرق* روزانه

### حادثه‌ها

### دو قصاص، یک اعدام و ۱۰ سال حبس برای سارق جنایتکار

**گروه حوادث:** دو بار قصاص، یک بار اعدام و ۱۰ سال حبس مجازاتی است که قضات دادگاه کیفری استان تهران برای مردی که به قتل یک مادر بزرگ و نوه‌اش و تعرض به دختر خردسال متهم است، صادر کرده‌اند. به گزارش خبرنگار ما، این مرد که بخش‌علی نام دارد روز گذشته در آخرین جلسه محاکمه‌اش که در شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد از خودش دفاع کرد. در این جلسه ابتدا «روشن» نماینده دادستان تهران در توضیح کیفرخواست گفت: یک سال قبل خبر قتل مادر-بزرگ و نوه‌اش در قرچک ورامین به ماموران پلیس داده شد. زمانی که ماموران به محل رسیدند و تحقیقات خود را آغاز کردند متوجه شدند دختر ۹ساله علاوه بر اینکه به قتل رسیده و گلویش بریده شده است به طرز وحشیانه‌ای مورد آزار نیز قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده نشان داد مقدار

زیادی طلا و یک گوشی تلفن همراه از خانه مقتولان به سرقت رفته است. ماموران در ردیابی‌هایی که انجام دادند موفق گشدند متهم را که بخش‌علی نام دارد و در دادگاه حاضر است بازداشت کنند. متهم در هشت مرحله بازجویی به قتل اعتراف کرد و جزئیات آن را هم توضیح داد. بنابراین با توجه به تحقیقات انجام گرفته تقاضای صدور حکم قانونی در این خصوص را دارم. در ادامه اولیای دم مقتولان برای متهم تقاضای صدور حکم قصاص کردند. سپس بخش‌علی در جایگاه حاضر شد. او گفت: من قبول دارم در خانه مقتولان بودم اما قاتل نیستم. من دو همدست به نام‌های فرامرز و یدالله داشتم. فرامرز قاتل مادر بزرگ و نوه است. وی گفت: قرار بود ما آن روز برای سرقت به خانه پیرزن برویم. از آنجایی که من می‌دانستم دختر و داماد او صبح زود از خانه بیرون می‌روند و او با نوه‌اش تنهاست ساعت ۷:۵ صبح به خانه آنها رفتم و در زدم. ما همسایه دیوار به دیوار بودیم. گفتم کلید را در خانه جا گذاشته‌ام و برای اینکه بتوانم در را باز کنم باید از دیوار وارد شوم. او هم اجازه داد من و دوستانم وارد شویم. بعد فرامرز به سمت دیوار رفت و در حالی که او با من دعوا می‌کرد فرامرز چند ضربه به او زد و بعد هم گلویش را برید. بعد من و یدالله به طبقه دوم رفتم تا طلاها را پیدا کنیم. وقتی پایین آمدم فرامرز گفت دخترک را هم می‌کشته است، چون او ما را دیده بود. بعد طلاها را یدالله با خود برد و فروخت. متهم در ادامه گفت: برای یک معناد هزار تومان هم پول زیادی است و از آنجایی که من به کراک و شیشه اعتیاد داشتم برای تأمین هزینه‌های مواد مخدرم هر کاری می‌کردم. گفته‌های متهم در حالی بود که تا پیش از این به ارتکاب قتل بدون داشتن همدست اعتراف کرده بود. وقتی قاضی ساعی از او پرسید چرا تاکنون درباره همدستانش حرفی نزده بود، گفت: من به پیش از این هم گفتم اما ماموران حرفم را قبول نکردند به همین خاطر هم گفتم تنهایی این‌کار را کرده‌ام. با توجه به اینکه متهم به دخترک تعرض هم کرده بود، در پایان وی به یک بار اعدام و به خاطر قتل مادر بزرگ و نوه به دو بار قصاص و به جرم سرقت به ۱۰ سال حبس محکوم شد.

**تظاهر به پولداری**

**زن و شوهر را به دادگاه کشاند**

مردی برای اینکه نزد همسرش وانمود کند وضع مالی خوبی دارد ۲۰ میلیون تومان بدهکار شد و برای ارائه تقاضای طلاق به دادگاه خانواده رفت. به گزارش فارس، این مرد ۲۴ساله به قاضی شعبه ۲۵۴ دادگاه خانواده گفت: همسرم بسیار زیاده‌خواه است و وقتی به خرید می‌رویم زندگی و ثروت پدرش را به رخم می‌کند، من هم برای اینکه تحقیر نشوم تلاش می‌کنم از طریق قرض، پول بیشتری فراهم کنم و بتوانم وسیله مورد نظر همسرم را بخرم. من نباید با زنی که این شیوه‌های تروتمند متولد شده است، ازدواج می‌کردم. تنها کاری که همسرم در آن تبحر دارد، تحقیر و خرج کردن است؛ دیگر طاقتم تمام شده است چرا که تا به حال به این دلیل ۲۰ میلیون تومان بدهکار شده‌ام تا آبرویم جلوی همسر حفظ شود و از سر کوفت نشوم، اما دیگر نمی‌توانم این شرایط را تحمل کنم و این خواهم او را طلاق بدهم. در ادامه این جلسه زن ۱۱ساله نیز به قاضی دادگاه گفت: بدهکاری شوهرم به من مربوط نمی‌شود. او می‌توانست همان موقع از خودش دفاع کند و بگوید وضع مالی‌اش خوب نیست، نه اینکه به نوعی برخورد کند که من تصور کنم وضع مالی او تنها کمی از وضع مالی پدرم پایین‌تر است. مقصر اصلی خودش است که تظاهر به پولداری می‌کرد. بنا بر این گزارش، قاضی دادگاه بعد از شنیدن حرف‌های این زن و مرد آنها را به مصالحه دعوت کرد و حکمی صادر نکرد.

**درخواست طلاق از زنی که راز نگهدار نیست**

مردی با مراجعه به دادگاه خانواده اعلام کرد به این دلیل که همسرش راز نگهدار نیست می‌خواهد از او جدا شود. به گزارش فارس این مرد که دادخواست طلاق را به قاضی شعبه ۲۵۴ مجتمع قضایی خانواده یک ارائه داده بود، گفت: همسرم بسیار دهن‌قل است و حتی حرف‌های خصوصی‌مان را نیز با همسایهان در میان می‌گذارد، به همین دلیل دیگر به این شرایط راضی نی‌ام. همسرم حتی بسیاری از حرف‌هایی را که مربوط به کانون خانواده ما می‌شود نیز به همسایه‌ها می‌گوید و من بعد از مدتی آن را از دهان همسایه‌ها می‌شنوم و جالب اینکه بعدا که این موضوع را به او می‌گویم، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. وی ادامه داد: همسرم متوجه نمی‌شود محیط خانه با محیط بیرون متفاوت است و به همین دلیل هر چیزی را که از ذهنش می‌گذرد به همسایه‌ها می‌گوید و این سادگی او مرا بسیار عذاب می‌دهد. همسر این مرد نیز وقتی اجازه صحبت گرفت، گفت: من عمداً صحبت‌های خصوصی‌مان را به همسایه‌ها نمی‌گویم و شوهرم نباید به این دلیل عصبانی شود و زندگی مشترک‌مان را خراب کند. این کارهای من ناخواسته است. بنا بر این گزارش قاضی دادگاه در پایان این زوج را به مصالحه دعوت کرد.